

در فرائد) و آنها را برای مخاطبانشان که مسلمانان و به ویژه شیعیان بودند مطرح می‌کردند.

عبدالبهاء، در سفر سه ساله خود آنچه را که بهائیان به عنوان تعالیم دوازده‌گانه می‌شناسند، مدون و معرفی نمود و تعالیم باب و بهاء را با آنچه در قرن نوزدهم در غرب، خصوصاً روشنگری و مدرنیسم و اومانیسم متداول بود، هماهنگ نمود و البته برداشت‌های بسیاری نیز از آن تفکرات وارد اندیشه‌های پدرش کرد.

عبدالبهاء این تعالیم را از ابتکارات پدرش قلمداد می‌کرد و در مواضع گوناگون گفته بود که پیش از او چنین تعالیمی وجود نداشته است (عبدالبهاء، خطابات، ص ۱۹۱)؛ در حالی که برخی از آنها در ادیان گذشته و مکتب‌های فکری موجود وجود داشت و برخی دیگر اساساً مورد قبول عقل سلیم نیست.



## بهائیت، رقص استعمار

۲



## بهائیت را بشناسیم

پایگاه جامع فرق، ادیان و مذاهب  
[www.adyannet.com](http://www.adyannet.com)

### بهائیت را بشناسیم

#### بهاء که بود؟

میرزا حسین علی نوری (بهاء‌الله) در سال ۱۲۳۳ قمری در تهران به دنیا آمد. پدرش «میرزا عباس» به کار منشی‌گری و حساب‌داری و معلمی در خانه شاهزادگان و اشراف روزگار اشتغال داشت و حسین علی خواندن و نوشتن را نزد پدر آموخت. البته او بعدها ادعای «امی» بودن کرد که با تکذیبات متعدد از جمله عزیه خانم نوری خواهر وی مواجه شد.<sup>(۱)</sup>

با پیدایش «علی محمد شیرازی» (باب)، میرزا حسین علی با پیروی از فرقه بابی‌گری کم‌کم از سران مهم فرقه «بابیه» می‌شود. وی در افتضاحات «بدشت» واقع در حوالی شمال شرقی کشور که در آنجا هواداران و پیروان «باب» نسخ دین مبین اسلام را اعلام کردند، حضوری

۱. تنبیه النائمین، عزیه خانم نوری، تهران، بیتا (مؤمنین به بیان)، ص ۱۲.

فعال داشت. در این واقعه طاهره قزوینی (قره‌العین) ضمن کشف حجاب با چند تن از مردان پیرو باب رفتاری منافی اخلاق داشت و چون خبر اعمال زشت و غیراخلاقی و پرده‌دری‌های آنان به محمدشاه قاجار رسید، فرمان قتل او را صادر کرد. اما با مرگ محمدشاه این فرمان اجرا نشد و میرزا حسین علی با حمایت مأموران سفارت روسیه به تهران بازگشت.

پس از آغاز پادشاهی «ناصرالدین شاه»، میرزا تقی خان امیرکبیر که از نقش میرزا حسین علی نوری در تحرکات و بلوای بابیان خبر داشت، او را به عراق تبعید کرد. میرزا حسین علی نوری پس از عزل و قتل ناجوانمردانه امیر کبیر<sup>(۲)</sup> که بهائیان آن را انتقام الهی می‌نامند، در ایام صدارت میرزا آقا خان نوری به ایران بازگشت و در رأس یک گروه، برنامه‌ای را برای ترور «ناصرالدین شاه» طراحی کرد.

میرزا حسین علی (بهاء‌الله) پس از طراحی برنامه ترور شاه، برای اینکه از مظان اتهام دور باشد، قبل از اجرای این طرح به خانه ییلاقی میرزا آقا خان نوری صدراعظم وقت و جانشین «امیرکبیر» می‌رود و منتظر نتیجه اقدام

۲. فصل‌نامه تاریخ معاصر ایران، شماره ۲۷، ص ۳۸.

همفکران و بابی‌های مأمور می‌ماند. چون خبر شکست این توطئه و بازداشت «بابی‌ها» به او می‌رسد، به سرعت خود را به سفارت روسیه در «زرگنده» می‌رساند.

ناصرالدین شاه از حادثه ترور سخت به خشم آمده بود؛ اما به این سبب که وی با مساعدت و موافقت دولت روسیه به سلطنت رسیده بود و توان مقابله با قدرت استعماری روسیه تزاری را نداشت و میرزا حسین علی نوری نیز به سفارت روسیه پناهنده شده بود، سرانجام با این شرط که «میرزا حسین علی نوری» (بهاءالله) برای همیشه از ایران تبعید شود، با آزادی او موافقت کرد.

در پی تبعید میرزا حسین علی نوری به عراق، برادر کوچک‌ترش میرزا یحیی صبح ازل که جانشین باب به شمار می‌رفت هم با لباس مبدل خود را به عراق رسانده و رهبری بابیان تبعیدی را به عهده گرفت. رفتارهای زشت و آزارگری و ننگ آفرینی بابیان در عراق در این دوره حتی برای رهبران بهائی نیز قابل چشم‌پوشی نبود، به طوری که شوقی افندی می‌نویسد: «در عراق شیوه بابیان این بود که شب‌ها به دزدیدن لباس و نقدینه

و کفش و کلاه زوار اماکن مقدسه و شمع‌ها و صحایف و زیارت‌نامه‌ها و جام‌های آب سقاخانه‌ها پردازند».<sup>(۳)</sup> او می‌افزاید به سبب کینه‌ای که بابیان از شیعیان داشتند، در ایام عاشورای حسینی در کربلا جشن و پایکوبی راه می‌انداختند که این سنت بی‌شرمانه از قره‌العین به یادگار مانده بود. رفتار ددمنشانه و دور از انصاف بابی‌ها با مسلمین اندک اندک بالا می‌گیرد تا جایی که به زد و خورد می‌انجامد.

سرانجام رفتار غیرانسانی بابی‌ها موجب شد تا در سال ۱۲۸۰ ق دولت عثمانی آنان را به استانبول تبعید نماید. در چند روز قبل از این سفر، میرزا حسین علی داعیه خویش را آشکار ساخت و ادعای «من یظهره اللهی» کرد و گفت «آن کس که منتظر او هستید، من هستم» و به این ترتیب ادعای نبوت و مظهریت نمود و با این ادعا بین بابی‌ها ایجاد اختلاف کرد؛ تا جایی که در شهر ادرنه<sup>(۴)</sup> بین دو برادر جنگ و جدل به راه افتاد و از همین جا عده‌ای او را پذیرفته و برخی دیگر برادر کوچک‌تر را انتخاب نمودند و ازلی نام گرفتند و

۳. شوقی افندی، قرن بدیع، ج دوم، ص ۱۲۲.

۴. ادرنه: تبعیدگاه بهائیان در ترکیه نزدیک مرز قبرس می‌باشد.

عده‌ای هم دامن رؤسا و سرکردگان بابی‌گری را رها کرده تنها کتاب «بیان» را محترم شمردند. پس از اینکه کار درگیری و اختلاف بابیان به کشت و کشتار رسید، زعمای عثمانی تصمیم به جدایی آنان گرفتند و «صبح ازل» را به جزیره قبرس و بهاءالله و هوادارانش را به «عکا» در خاک فلسطین تبعید کردند.

میرزا حسین علی «بهاءالله» پس از رسیدن به عکا به صورت کامل و رسماً خود را پیامبر نامید و فرقه «بهائیت» را بنیان گذاشت که فوراً از جانب دولت روسیه به رسمیت شناخته شد. دولت استعماری روسیه پس از به رسمیت شناختن فرقه ضاله بهائیت به عنوان یک دین، همه گونه امکانات در اختیار آنها گذاشت. این دولت در نخستین اقدام مرزهای خود را به روی بهائیان گشود و اولین معبد این فرقه را به نام «مشرق الاذکار» در شهر عشق آباد ایجاد کرد.

### عبدالبهاء

عباس افندی (۱۲۶۰ - ۱۳۴۰) ملقب به عبدالبهاء، پسر ارشد میرزا حسین علی است و جانشین وی

محسوب می‌گردد. میرزا حسین علی قبل از مرگ در وصیت‌نامه خود او را به جانشینی برگزیده بود و اینکه فرزند دیگرش میرزا محمدعلی افندی بعد از عبدالبهاء ریاست فرقه را به عهده گیرد. اما عبدالبهاء به مجرد تکیه زدن بر مسند ریاست بدون دلیل محمدعلی افندی را کنار گذاشته و پیروان خویش را از معاشرت با او بازداشت. از مهم‌ترین رویدادهای زندگی عبدالبهاء، سفر او به اروپا و آمریکا بود. پس از خلع عبدالحمید از سلطنت، محدودیت‌های عبدالبهاء نیز برطرف شد و او به دعوت بهائیان اروپا و آمریکا از فلسطین به مصر و از آنجا به اروپا و یک بار هم به آمریکا رفت. این سفر از آن جهت اهمیت دارد که نقطه عطفی در ماهیت آیین بهایی محسوب می‌گردد. پیش از این، آیین بهائی بیشتر به عنوان یک انشعاب از اسلام بروز کرده بود و حتی عبدالبهاء، در برخی مواضع، در بلاد عثمانی خود را شاخه‌ای از متصوفه شناسانده بود.

در آن مرحله، رهبران و مبلغان این آیین برای اثبات حقانیت خود از درون قرآن و حدیث به جستجوی دلیل می‌پرداختند (برای نمونه، بهاء در ایقان، گلبایگانی